

رفتن به سینما



✎ Espen Stranger-Johannessen

👤 Aakane

🗨️ Sam Saf

📊 3

💬 فارسی fa



هی، دنبال یه فیلم میگرده که تهنه کنه. اون میخواد ب دوست صمیمیش،
لیزا، بره سینما.

هی، بـ موتور اسکوترش می‌ره سینه. اونجا قرار گذاشتن که همدیگه رو
اونجا ببینن.



اونه همدیگه رو تو سینه میبینن و بهم سلام میکنن. اونه واسه تهنیتی فیلم
هیچن زده هستن.



هی، از بچه بلیط فروشی واسه هر دو تا شون بلیط می خره.



اون يک ډکټ بزرگ پف فيل هم ميخره.



وقتی هی داره دوآ آب گذدار می خره، لیزا پکت پف فیل رو نگه میداره.



اونه قبل از رفتن داخل هتل تهندی فیلم، بلیطهشون رو نشون میدن.



اونه دنجل صندلی ههشون میگردن. اونجندریکه، چون فیلم شروع شده.



اونچ ميشينن آ فيلم رو بينن.



یه فیلم ده‌دهنه است. این ژانر مورد علاقه شونه.



بعد از فیلم از هم خدا حفظی میکنن و میرن خونه.






LIDA Stories

lidastories.net

رفتن به سینما

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Sam Saf

